

گزارش «شرق» از بررسی میدانی کارنامه داوطلبانی که معترض نتایج کنکور بودند

سازمان سنجش دوباره بررسی کرد

شهرزاد همتی: آدمی همیشه باید جسارت ایستادن پشت حقیقت را داشته باشد. حقیقت هرجایی که باشد به‌عنوان یک خبرنگار باید به دنبال آن بود. خبرنگاران و گروه اجتماعی «شرق» نیز از این قاعده مستثنا نیستند. این گزارش روایت طرف دیگر ماجرای عوض‌شدن کارنامه کنکور دانش‌آموزانی است که در گفت‌وگویی با «شرق» ادعا کردند که کارنامه آنها بعد از یک ساعت و عده‌ای بعد از ۲۴ ساعت تغییر کرد.

صفحه ۱۰

سرمقاله

جامعه معمایی



کامبیز نوروزی
حقوق دان

آیا قتل فجیع داریوش مهرجویی و همسرش به معماهای جامعه ما می‌افزاید؟ بهتر است کمی عمومی‌تر ببینیم. ما رفتار خود را بر اساس دانسته‌هایمان تنظیم می‌کنیم و سامان می‌دهیم. وقتی چیزی را نمی‌دانیم نمی‌توانیم آن را در درون زندگی خود به کار بندیم و رفتارمان دچار اختلال می‌شود. در زندگی فردی هراندازه حجم نادانسته‌ها و مجهول‌های زندگی ما بیشتر باشد، سامان‌بخشی زندگی برآیمان سخت‌تر و غیرقابل پیش‌بینی‌تر می‌شود. تا جایی که چه بسا مهار زندگی از دست برود و به مرزهای پاشیدگی و گسیختگی برسد. ساده است. فرض کنید نمی‌دانید درآمد شما در ماه‌های آینده آتیا کفاف مخارج روزمره و احیاناً دارو و درمان شما و اعضای خانواده شما را می‌دهد یا نه. این برای شما یک مجهول است. برنامه‌ریزی اطمینان‌بخشی نمی‌توانید داشته باشید، زیرا برنامه را بر پایه معلومات می‌توان داشت نه مجهولات. زندگی اقتصادی شما دچار نوسان می‌شود. شاید مقروض شوید. شاید در خیلی از کارها دچار سرگیجه شوید. کم می‌آورید و... به سادگی نظم زندگی شما بر هم می‌ریزد. این فقط یک مورد است. زندگی ابعاد و جنبه‌های متعدد فراوان شغلی، خانوادگی، روابط اجتماعی و... دارد. وقتی در عرصه‌های بیشتری مجهول‌های زندگی بیشتر باشند، ابعاد بی‌نظمی زندگی و اختلال آن توسعه می‌یابد.

زندگی اجتماعی هم همین است. جامعه براساس دانسته‌ها و معلوم‌هاست که قادر به تولید نظم پایدار و حراست از آن است. هرقدر مجهولات در جامعه بیشتر باشند اختلال نظم توسعه می‌یابد. جامعه نمی‌داند چه شده یا چه خواهد شد و به کدام مسیر می‌رود و در خطر گسیختگی قرار می‌گیرد.

قرار است یک کنسرت برگزار شود، معلوم نیست کنسرت واقعا برگزار خواهد شد یا نه؟ فیلمی قرار است به نمایش درآید، تا روز آخر معلوم نیست این اتفاق خواهد افتاد یا نه؟ گفته می‌شود قیمت ارز یا سکه یا فلان کالا فلان مقدار می‌شود، باز هم معلوم نیست می‌شود یا نه؟ می‌گویند در سال آینده شرایط آزمون ورودی دانشگاه‌ها چنین و چنان است، اما باز هم معلوم نیست این‌گونه خواهد شد یا نه؟ بعد از بحث‌های زیست‌محیطی درمورد پتروشیمی میانکاله، ابتدا با دستور قضائی از ادامه عملیات ساخت این پتروشیمی جلوگیری می‌شود ولی کمی بعدتر کار ادامه می‌یابد و معلوم نیست با وجود همه موانع قانونی این اتفاق چگونه می‌افتد. اینها همه مجهولاتی هستند که جامعه را در خود احاطه کرده‌اند و جامعه را سرشار از معما می‌کنند.

درست است که قانون و مقرراتی وجود دارند که می‌خواهند وضعیت همه‌چیز را در جامعه «معلوم» کنند و از مجهولات بکاهد اما اولاً همین قوانین به دلیل نقایص بسیار قادر به چنین کاری نیستند. ثانیاً همین قوانین ناقص هم به فراوانی و خصوصاً توسط دستگاه‌های مسئول نقض می‌شوند. ثالثاً قوانین عوامل بیرونی تولید نظم هستند. نظمی که از درون جامعه تولید نشود مؤثر نخواهد بود.

قتل داریوش مهرجویی و همسرش خانم وحیده محمدی‌فر یادآور نوع دیگری از مجهولات و معماهاست که در ایران انباشته شده است. در نیمه نخست دهه ۱۳۹۰ چندین مورد اسیدپاشی زنان در اصفهان رخ داد و زنانی قربانی این جنایت شدند. چه کسانی و چرا مرتکب این جنایت شدند؟ معلوم نشد.

در ماجرای قتل‌های زنجیره‌ای اگرچه به همت دولت و وزارت اطلاعات وقت بخشی از ماجرا از پرده برون افتاد و معلوم شد اما بخش‌های مهم دیگری همچنان در پرده و مجهول باقی ماندند. در سال گذشته موضوع مسمومیت در مدارس دخترانه مدت‌ها تیتراول رسانه‌ها شد. این مسمومیت‌ها چه بودند و چرا و چگونه و توسط چه کسانی سازماندهی و اجرا شدند؟

اینها مشتکی کوچک از خروار خروار مجهول‌هایی است که بر زندگی امروز حاکم است و موجب اختلال شدید نظم شده‌اند. معماهایی هستند که جامعه نمی‌تواند پاسخی برای آنها بیابد و آنها که می‌توانند مانع از این معماها شوند یا از آنها مرگ‌شناسی کنند ترجیح می‌دهند هیچ نگویند. معماها، معما باقی می‌مانند. زندگی معمایی و فراوانی مجهول‌ها در زندگی فردی و اجتماعی اجازه هیچ پیشرفتی نمی‌دهند و همه منابع را تلف می‌کنند. حرکت جامعه معمایی مانند رفتن به مقصدی است که راهش را نمی‌دانید. مدام در جامعه‌های مختلف حرکت می‌کنید و حتی دور خود می‌چرخید. سوخت ماشین مصرف می‌شود، ماشینتان مستهلک می‌شود، خسته می‌شوید، سرتشنان گرسنه و تشنه و فرسوده می‌شوند و شما همچنان روی جاده‌ای از مجهولات حرکت می‌کنید. کار به جایی می‌رسد که سرتشنان خسته، با هم به دعوا می‌پردازند، ماشین خراب می‌شود و یک جا می‌ماند و... در جامعه معمایی نه فقط قانون، بلکه حقوق، به‌ویژه عرف‌ها و رویه قضائی و اصول و قواعد عمومی در تولید نظم بی‌تأثیری می‌شوند. حقوق وقتی مؤثر و قادر به تولید نظم است که بر اساس معلوم‌ها استوار شده باشد.

در جامعه مدرن سر رشته در دست دولت‌هاست. این دولت‌ها هستند که نباید بر مبنای مجهولات به حیات خود ادامه دهند و به آنها دامن بزنند. در جامعه معمایی بزرگ‌ترین معما آینده جامعه است.



چهارشنبه ۲۶ مهر ۱۴۰۲ • ۲ ربیع‌الثانی ۱۴۴۵ • ۱۸ اکتبر ۲۰۲۳ • سال بیست‌ویکم • شماره ۴۶۷۴ • ۱۲ صفحه • ۱۵۰۰ تومان

در «شرق» امروز می‌خوانید:
گام‌های آرام «چردن» برای ریاست مجلس نمایندگان، معضلی به نام ورزشگاه در تهران، ناحیه ویژه پایتخت کجاست؟ و **یادداشت‌هایی از** صادق مددی، محمد عطایی، محمدهادی جعفرپور

نگاهی به یک توزیع نابرابر از صندوق ملی مسکن که بیش از ۷۵ درصد منابع طرح نهضت ملی مسکن را به تهرانی‌ها اختصاص داد

مسکن محرومان منه‌ای محرومان؟

گزارش تئتریک را در صفحه ۴ بخوانید



گزارشی از تکاپوهای آمریکا برای جلوگیری از افتادن تل آویو در جنگی بدون انتها و شکل گرفتن خاکریزهای جدید

اسرائیل در دام اسرائیل

در اوج جنایات اسرائیل در غزه، راینزی‌ها برای توقف و یا محدودکردن گستره جنگ ادامه دارد

عبدالرحمن فتح‌اللهی: با تداوم حملات اسرائیل به نوار غزه، تحرکات سیاسی، دیپلماتیک، نظامی و دفاعی آمریکا در منطقه هم وارد دور جدیدی شده است. در همین زمینه امروز چهارشنبه شاهد سفر جو بایدن به اسرائیل خواهیم بود؛ هرچند که دراین‌باره برخی کارشناسان منتقدند بنیامین نتانیا‌هو با هدف فرار از شکست در برابر مقاومت فلسطین، بایدن را به اراضی اشغالی دعوت کرده است؛ اما به نظر می‌رسد هدف اصلی سفر بایدن به منطقه برای حضور در نشست چهارجانبه اردن باشد.

دفتر پادشاهی اردن دیروز سه‌شنبه اعلام کرد نشست چهارجانبه‌ای با حضور سران اردن، مصر، آمریکا و فلسطین امروز چهارشنبه ۱۸ اکتبر در شهر امان، پایتخت اردن، برگزار می‌شود. در بیانیه

یادداشت

بهانه به دست «زنگی مست»



علی مندنی پور

آنچه این روزها در سرزمین‌های اشغالی به‌ویژه در برخورد دولت اسرائیل با حمایت تمام‌قد تدرروهای این‌کشور و صداالبته پشت‌گرمی «قدرت‌های بزرگ» به بهانه تهاجم گروه حماس در بمباران‌های کور باریکه غزه شاهدیم، مشتکی است نمونه خروار از ستم سنگین و کم‌رشنکی که در گذر تاریخ از جانب «اصحاب قدرت» بر مردم بی‌دفاع این دیار روا شده و می‌شود. برخورد‌های ناروایی که همواره قدرت‌های چپ و راست جهان در چارچوب منافع و مصالح خویش توجیه‌گر آن بوده و هستند! ۷۵ سال می‌گذرد؛ با بندبازی‌های استعمار پیر، این توفان ویرانگر بر سر مردم بی‌دفاع از «خانه» رانده و از «همه‌جا‌مانده» فلسطین باریدن گرفته و سرنوشت‌شان را آن‌گونه که می‌بینیم، به بدترین شکل ممکن رقم زده است. سرنوشتی غم‌انگیز و مبهم که چو‌نان توپ فوتیال در بازی کثیف سیاست، در «زمین قدرت‌های بزرگ» این یا و آن یا می‌شود و آینده‌ای بر پایان آن متصور نیست. تو گویی این قصه پرغصه تمامی ندارد. مردمانی که در گذر زمان شاهد دست‌وپایسته نقض آشکار حقوق حقه خود، از تحریم، تحقیر، تبعیض و نابرابری و بی‌عدالتی، تخریب مزارع و سکونتگاه بگیر تا آوارگی و دربه‌دری صدها هزار هم‌میهن و ارتکاب جنایت‌های هولناک و ضد بشری کفر قاسم، صیرا، شتیلا، خان‌یونس و کشتار بی‌رحمانه ساکنان اردوگاه‌های جنین، قانا و... در حق خود بوده و کشتن و دربندکردن هزاران زن و مرد و پیر و جوان و نوجوان خویش را در سیاست‌های رژیم قانون‌گریز اسرائیل به چشم دیده و درد و رنج حاصل از این همه جنایت را با همه وجود لمس کرده و می‌کنند. در تداوم برخورد‌های ناروای گذشته، این روزها جامعه بین‌المللی باز هم شاهد وجود وقایع تلخ و خشونت‌بار بمباران بی‌امان باریکه غزه با بهره‌گیری از پیشرفته‌ترین سلاح‌ها، قطع آب و برق و محاصره کامل و کوچ اجباری و آوارگی صدها هزار نفر از ساکنان این دیار از خانه و کاشانه‌شان شده است. نبردی نابرابر که به روایت آخرین خبرها تا این لحظه به جان باختن حدود سه هزار نفر (۴۵۸ زن و هزار کودک) و مجروح‌شدن بیش از ۱۰ هزار نفر انجامیده و بیش‌بینی می‌شود تا چند روز آینده تلفات این فاجعه بزرگ انسانی به بیش از چندین برابر این آمار برسد. «دانه‌درشت‌های جامعه ملل» بنا بر عادت شناخته‌شده دم نمی‌زنند و کاری نمی‌کنند و تنها، طرف‌های درگیر را به «خویش‌نداری» دعوت می‌کنند. آمریکا و اروپا مواضع آشکاری بر پشتیبانی از اسرائیل داشته و دارند که با توجه به پیشینه آنان انتظار دیگری از آنها نرفته و نمی‌رود. دیگر‌کشورها نیز با حسابرگری و در راستای مصالح و منافع کشور‌های متنوع خویش، سیاست «یکی به نعل و یکی به میخ» را در پیش گرفته و با گوشه‌چشمی به سمت‌وسوی دارندگان رأی در شورای امنیت، سکوت اختیار کرده‌اند. حرکت‌های حساب‌شده‌ای که در مسیر رخداد‌هایی از این دست در تاریخ روابط دولت‌ها مسبوق به سابقه است.

ادامه در صفحه ۴

رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با نخبگان و استعداد‌های برتر علمی

اگر جنایات غزه متوقف نشود نمی‌توان جلوی مقاومت را گرفت

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری: رهبر معظم انقلاب اسلامی صبح روز گذشته در دیدار حدود هزار نفر از نخبگان و استعداد‌های برتر علمی کشور، خواستار یک جهش تازه و مبتکرانه علمی و ورود به فصل تازه‌ای از فعالیت‌های نوآورانه در مراکز و محیط‌های علمی-دانشگاهی شدند.

صفحه ۲

یادداشتی از احمد مسجدجامعی

سینما تراپی مهرجویی

ابراز همدردی بیش از ۲۰۰ سینماگر و نخبه افغانستانی

۱۲

علیرضا دبیر در دوراهی سخت ماندن یا عبور از رفیق قدیمی

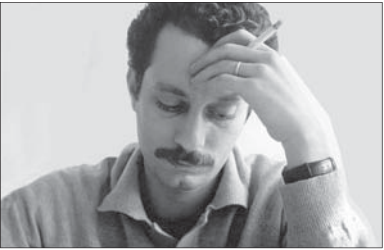
لحظه‌شماری برای برکناری پژمان؟

۹

هم‌اندیشی مدنی به منظور مناسب‌سازی شهر و مدرسه

جای معلولان در رسانه خالی است

۶



غسان کتفانی و نخستین رمان فلسطینی

اولین فریاد پس از نکبت

۱۱

یادداشت

روزنامه‌نگاری به مثابه فعالیتی تصویرپردازانه



حمزه نوذری

جامعه‌شناس و استاد دانشگاه

نویسنده‌ای که تجربه زیادی در حرفه روزنامه‌نگاری دارد، به‌تازگی یادداشتی با موضوع شناخت روزنامه‌نگاری نوشته و اظهار کرده این حرفه به دنبال نزدیک‌کردن مردم با یکدیگر و حقیقت پدیده‌ها است. از نظر او، روزنامه‌نگار به دنبال حقیقت پدیده‌ها است. با این تلقی که حرفه روزنامه‌نگاری با کشف و بیان حقیقت پدیده‌ها و نزدیک‌کردن مردم به یکدیگر گره خورده، وظایفی را برعهده روزنامه‌نگار گذاشته که هم بسیار سنگین و دشوار است و هم منطبق با واقعیت این حرفه نیست. بیان حقیقت پدیده‌ها که باعث اجماع و توافق بین مردم می‌شود، الزامات روش‌شناختی خاصی دارد که گاهی علوم مختلف نیز چنین ادعایی ندارند. آیا آن‌گونه که آقای عباس عبدی اظهار کرده، روزنامه‌نگار ناظر بی‌طرفی است که با کتش غیرجانبدارانه، حقیقت پدیده‌ها را بیان می‌کند؟ آیا روزنامه‌نگار قادر است از منافع، ترجیحات، ارزش‌ها، علایق جماعتی و انجمنی، جایگاه طبقاتی، پایگاه اقتصادی و اجتماعی، ارزش‌ها و دیگر عواملی که کشش هر فردی را هوادارانه می‌سازد، رها شود و حقیقت پدیده‌ها را بیان کند؟ بدون، جامعه‌شناس فرانسوی، از قول توکویل می‌نویسد روزنامه‌نگاران نیز مانند دیگران تابع قوانین روان‌شناختی و جامعه‌شناختی حاکم بر پدیده ارتباطاند؛ مانند قانون انتخاب گزینشی پدیده‌ها؛ به این معنا که افراد فقط به شنیدن برهان‌هایی گرایش دارند که در راستای باورهای‌شان باشد. به طور کلی افراد دست‌اندرکار عالم مطبوعات، در برابر باورهای جزئی و عواطف دیگری نقش کم‌رنگ‌تر روزنامه‌نگار برای میانجی‌بودن را اعلام می‌کند و نسبت به کارآمدی این گروه در جامعه مدرن تردید دارد. از رویکرد دیگری در شناخت روزنامه‌نگار دفاع کرد؟ اگر روزنامه‌نگاری از مجرای کشف و بیان حقیقت پدیده‌ها و نزدیک‌کردن مردم به یکدیگر نیست؛ پس چگونه فعالیتی است؟

ادامه در صفحه ۵

همکار گرامی سرکار خانم ریحانه جولایی

مصیبت وارده را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض می‌کنیم. از خداوند سبحان برای آن مرحوم علو درجات و برای شما و سایر بازماندگان صبر آرزو‌مندیم.

روزنامه شرق



فروش ویلا

رجوع به صفحه ۹